



بررسی نقش مذهب در شکل دهی و گسترش شهرهای ایران؛ با تأکید بر دین اسلام

مسعود وطن خواه^۱، اسماعیل کمالی باغراهی^۲، علی خوشاب^۳

چکیده

در پیدایش و گسترش شهرها عوامل مختلفی تأثیر گذار هستند. یکی از این عوامل مذهب است. شهر اسلامی بازتاب اندیشه های دین مبین اسلام می باشد. در طول تاریخ شهرهای بسیاری با ایدئولوژی ایجاد و گسترش یافته اند. اما با پیشرفت تکنولوژی و ورود اندیشه های شهرسازی غرب به شهرهای اسلامی، بسیاری از سنت های اسلامی در شهرسازی مورد غفلت واقع شده و شهرها رنگ و بوی غربی به خود گرفته اند. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می باشد. روش جمع آوری داده ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد در این مقاله ضمن بررسی نقش اسلام در شکل گیری عناصر شهرهای اسلامی به بررسی نقش اسلام در شکل گیری مورفولوژی و گسترش شهرهای اسلامی نیز پرداخته ایم. همچنین به تأثیر ایدئولوژی های اسلامی در گسترش شهرها و یا عدم گسترش هایی که در صورت عدم شناخت کامل مسائل ایدئولوژی به وجود می آید پرداخته ایم. و در پایان پیشنهادهای در رابطه با گسترش شهرهای اسلامی امروزی با رویکرد اسلامی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: شهر- مذهب- کاربری شهری- مورفولوژی شهری- وقف- گردشگری مذهبی- ایران

^۱ . دانشجوی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی کالبدی دانشگاه فردوسی مشهد مشاور جوان شهرداری منطقه ۱۲ مشهد

^۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه اصفهان

^۳ . دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد



۱-۱- مقدمه

عوامل غیرکالبدی را می توان جز تاثیرگذارترین عوامل در ساختار عناصر معماری و فضاهای شهر دانست و این بدین سبب است که شهرها بازتاب دهنده عقاید، فرهنگ و معیشت ساکنان خویش هستند. در شکل گیری فضای شهری از لحاظ مورفولوژی، تاثیر قوانین و ارزش های برآمده از عوامل زیست محیطی، فرهنگی، معیشتی- اقتصادی، اعتقادی و مذهبی بر توسعه ساختار معماری و فضاهای شهری از مواردی است که نمی تواند نادیده گرفته شود. در میان عوامل نام برده تاثیر جهان بینی و ارزش های اعتقادی یا به عبارتی دین در شکل بخشیدن به عناصر و ساختار شهرها حائز اهمیت بسیار است (پرهون، ۱۳۹۲: ۱۷). تاثیر پدیده ی دین در پیدایش شهرهای کهن و جدید تا حدی بوده است که برخی از محققان پدیده ی شهر را چون تبلور کالبدی ایده ی مسلط در شکل گیری محیط های زندگی انسانی تحلیل می کنند (یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۱۵۶). اسلام جهت تحقق آرمانهای اجتماعی و مذهبی خود به شهر نیاز داشت. تاریخ اسلام با پی ریزی و ایجاد انواع مختلف شهر آغاز شده است (ملکشاهی، ۱۳۸۰: ۱۷۵). اسلام به عنوان یک فضای فرهنگی و یک فضای ارتباطی ممتاز، بر منظر شهری، سیمای ظاهری شهرها، ساختار آنها، نحوه کار آنها، ارتباط آنها با یکدیگر و با محیط اطرافشان تاثیر گذاشت (ملکشاهی، ۱۳۸۰: ۱۶۱). نقش عمده مذهب به عنوان مبدا بسیاری از شهرهای کشورهای اسلامی غیر قابل انکار بوده و نظیر سایر عوامل ایجاد شهرها، نقش عمده ای در ایجاد و توسعه شهرنشینی ایفا می نماید (<http://anjoman.urbanity.ir>). تکثر شهرها در سرزمین های اسلامی با توسعه ی نوعی شهرسازی اسلامی همراه بوده است. این سیستم جدید فرهنگی که عمدتاً نشأت گرفته از قرآن است، بر پایه ی سادگی استوار است. به همین دلیل شهرهای سنتی اسلامی، پیچیدگی شهرهای یونانی و رومی را ندارند. به عنوان مثال این گونه شهرها، فاقد «فروم» کلیسای بزرگ، تئاتر، آمفی تئاتر و... می باشند. آنچه که در شهرهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است وجود عناصری مانند اماکن مذهبی، قصر (دارالاماره)، بازار، حمام عمومی و میدان است (ملکشاهی، ۱۳۸۰: ۱۶۳). روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران را می توان به سه عهد تقسیم کرد: عهد اول از آغاز اسکان آریاییها تا ورود مسلمانان به طول انجامید. شهرهای مهم عیلامی، مادی و هخامنشی بیشتر جنبه حکومتی و، اداری و گاه حکومتی- مذهبی داشتند. عهد دوم از ابتدای ورود مسلمانان شروع می شود، تهاجم آنها بعکس سایر تهاجمان بزرگ تاریخ، نه تنها مانع رشد شهرنشینی، تمدن و فرهنگ ایران نشد، بلکه در پرتو تعالیم و جهان بینی اسلام، به آن سرعتی شگرف بخشید. درخشانترین دوره در این عهد از قرن سوم آغاز و تا قرن پنجم هجری بود. در این دوره به علت رشد تجارت و داد و ستد، شهرنشینی از رونق بالایی بسیار برخوردار می گیرد و مراکز و عناصر مهمی مثل بازار و مسجد جامع در شهر شکل می گیرند. عهد سوم از ابتدای روی کار آمدن رژیم پهلوی آغاز می گردد (سلطان زاده، ۱۳۶۲: ۵). یکی از دگرگونیهای عمده ای که از دوره پهلوی در ساختار کالبدی و سازمان فضایی شهرهای ایران روی داد تغییر و دگرگونی در ساختار مرکزیت شهری بود. در این دوره از یک طرف با تخریب سطح های وسیعی از محلات شهر و همچنین بریده شدن بازار توسط خیابانهای جدید و تضعیف گشتن نقش عملکرد بازار به عنوان مهم ترین عامل انسجام دهنده به مرکزیت شهری در ایران، مرکزیت قدیمی شهر به شدت آسیب دید و ضعیف گردید (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۷). بنابراین اگر مبانی فکری و به تبع آن شیوه زیست و اصول شکل دهنده فضا و مبانی طراحی از بیگانان اخذ شده و به طور مستقیم ملاک عمل قرار گیرند، به تدریج استحاله هویتی و فرهنگی رخ خواهد داد. اما اگر تعاملات



با سایر جوامع در پرتو جهان بینی و فرهنگ خودی رخ دهد، تثبیت و تقویت هویت ایرانی را در پی خواهد داشت (سلسه، علی و سلسه، محسن، ۱۳۸۸: ۵۱).

۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

شهرسازی نوین همزاد توسعه صنعتی است. تحولات ناشی از صنعت جدید، ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع را دگرگون کرد و باعث توسعه ی شهرنشینی شد؛ و نیز همراه با رشد نظام سرمایه داری، ثروتهای کلان و همزمان با آن فقر و بیچارگیهای عظیم پدید آمد. افکار و ایده های شهرسازی برای مسائل شهری با تاخیر یک قرن پس از وقوع این تحولات به تدریج شکل گرفت. در طول این یک قرن، «اتوپیسیم» اروپایی برای شهرها، طرحهای آرمانی ارائه می داد، و دولتها به اقداماتی موضعی دست می زدند. «هوسمن» در پاریس و «آنسپاش» در بروکسل خیابانکشی می کردند (سعیدنیا، ۱۳۷۴: ۳۷). از آنجا که هویت واژه های سهل و ممتنع است و علاوه بر آن به دلیل کاربرد وسیع این واژه، هرگونه تک بعدی نگری در مفهوم هویت، ممکن است در واکاوی مولفه های هویت بخش معماری و شهرسازی اسلامی، دیدگاههای دیگر را نادیده انگارد. دستیابی به هویت اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران نیازمند فرآیندی همه جانبه در نگرش به موضوع هویت است. علاوه بر آن تربیت متخصصان با جهان بینی اسلامی و ادراک مبانی نظری شکل دهنده به مکان اسلامی در معماری و شهرسازی دوران اسلامی را عوامل موثری در خلق مکانهایی با هویت اسلامی استنتاج میکند (کرمی، ۱۳۹۰: ۱). چنانچه ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را تبلور بصری ماهیت اسلامی آن دانست آن وقت لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می یابد. در صورت بی توجهی به آنها، هویت اسلامی و تاریخی آنها کم کم رنگ می بازد و عناصری جانشین می شوند که رنگ و بوی بومی ندارند و کارکردهای قبلی خود را از دست می دهند. نمونه بارز چنین تحولی را می توان در تغییر در میزان تاثیرگذاری نقش مسجد در ایفای نقش هویت شهر اسلامی دانست. مساجد جامع تا گذشته ای نه چندان دور نقش مرکزی داشته اند و این نقش کانونی، همواره منشا تحرک های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده اند. همچنین میدان ها نیز از قربانیان مدرنیته اند به گونه ای که جای خود را به فلکه ها داده اند و هرگز توان کارکردی میدان را ندارند بلکه باعث تقلیل اهمیت یک میدان مهم قدیمی به تقاطع بی اهمیت چند خیابان امروزی شده است (موحد، ۱۳۹۱: ۳۸).

۳-۱- اهداف تحقیق

اهداف این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بررسی نقش اسلام در شکل گیری عناصر شهرهای اسلامی ؛
- ۲- نقش اسلام در شکل گیری مورفولوژی شهرها؛
- ۳- نقش اسلام در توسعه و گسترش شهرهای اسلامی؛
- ۴- نقش وقف در گسترش شهرهای اسلامی ؛
- ۵- شناسایی مسائل و مشکلاتی که وقف در راه گسترش و توسعه شهرها به وجود می آورد.
- ۶- نقش گردشگری مذهبی در توسعه شهرهای مذهبی

۴-۱- روش تحقیق

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش، توصیفی- تحلیلی می باشد. روش جمع آوری داده ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای و اسنادی می باشد.



۲- مبانی و مفاهیم نظر

۲-۱- اولین تشکل شهر

اولین شهرهای جهان دیوار نداشتند. بنایی که شاید بتوان آن را دژ یا قلعه گفت محل سکونت حاکم یا پادشاه بود که معمولاً نوعی معبد هم در کنار آن دیده می‌شود. این حاکم اولیه مقام روحانی نیز داشته است. در این حاکم اولیه شکلی از قدرت معنوی و مقدس در کنار نیروی بدنی قوی با یکدیگر آمیخته شده بود؛ کسی که می‌توانست بر محدودیت‌های طبیعی غلبه کند. بنابراین در اولین شهرهای جهان نخستین شکل حکومت و سیاست نیز در غالب یک چنین شخصیتی ظاهر می‌شود. دژ اولیه به تدریج مجلل‌تر می‌شود، بطوری نمایشگر قدرت سمبولیک حاکم است و در اطراف این مجموعه دژ و معبد دیواری کشیده می‌شود و شهرها در اطراف این هسته اصلی ساخته می‌شوند (<http://daneshnameh.roshd.ir>).

۲-۲- ساز و کار دین برای تمدن

دین بی آن که در هدف و ذات خود برنامه‌ای برای تمدن سازی داشته باشد و آموزش آن در دستور کارش باشد در درازای تاریخ به گونه‌ای برای شکل‌گیری تمدن دست انسان را گرفته و خدمات بسیاری به انسان و جامعه انسانی کرده است تا ارکان بسترها و زمینه‌های تمدن برای بشر فراهم آید از جمله این ارکان که دین در ساخت آن نقش داشته و دارد عبارتند از:

۱. جامعه سازی

تشکیل اجتماع و جامعه سنگ زیرین و بستر اصلی پیدایش تمدن است. تا اجتماع فراهم نباشد و شکل نگیرد و کاخ آن برافراشته نگردد هیچ عنصر تمدنی پدید نمی‌آید. یونگ - ۱۹۶۱ - ۱۸۷۵ - روح اجتماعی مذهب را یکی از مشترکات ادیان می‌داند. دورکیم معتقد است: فرق جادو و مذهب در این است که جادو به طرف (فردیت) و مذهب به طرف (جمعیت) رو می‌کند.

در روزگار ظهور اسلام مدینه النبی وقتی چهره یک شهر به خود گرفت و بعدها هسته مرکزی جامعه و امت بزرگ اسلام گردید که بیش‌ترین ساکنان آن به یک باور و روح مشترک؛ یعنی اسلام دل بستند و به برکت دین پراکنده‌های فکری اخلاقی و سیاسی به هم کیشی و برادری و نوع دوستی تغییر یافت.

۲. پایه گذاری قانون

قانون از ارکان مهم و بنیادین تمدن به شمار است (تاریخ تمدن ویل دورانت ۲۸) از وقتی انسان زندگی اجتماعی را آغاز کرد نیازمند قانون شد؛ زیرا انسان برای دستیابی به حق خویش بسیار پیش می‌آمد که دچار کشمکشها و گرفتاریهایی می‌شد. چه بسا با تلاش گسترده و برخوردهای خشن و نزاعها افزون بر آن که به حق خود دست نمی‌یافت حقهایی نیز پایمال می‌شد. از این روی به نظم و قانون روی آورد و به آن گردن نهاد. پیامبران الهی تمام رسالت خود را در این می‌دیدند که مردمان را در زندگی و جامعه به پیروی از قانونهای الهی دعوت کنند. جامعه‌ای قانون مند و یک پارچه به وجود آورند.

۳. پایه گذاری دانش

از روزی که بشر استعداد فکری خود را برای فهم و کشف اسرار طبیعت به کار گرفت و به ساختن ابزار و فراگیری فنون برای بهبود بخشیدن به زندگی خود دست زد بذر تمدن کاشته شد. پس از پیمودن راهی دراز کم کم به دانستنیها و دانشهایی دست



یافت و تمدن خود را بر آنها بنیان نهاد. در مسیر دستیابی انسان به تمدن وحی و دین پاره ای دانشهای مورد نیاز را در اختیار بشر گذاشته است. شماری از پیامبران الهی از راه دریافتهای وحیانی خود دانشها و صنعتهایی را در میان بشر بنیاد گذاشته اند (<http://www.tahoordanesh.com>).

۲-۳- نظریه مذهبی: گسترش معابد و عبادتگاهها

بیشتر محققانی که درباره ی نقش مذهب در پیدایش شهرها به تحقیق پرداخته اند، در میان ادیان بیش از همه بر ارتباط دین اسلام با توسعه شهری تأکید می کنند. بسیاری از جغرافیدانان و تاریخ نگاران اسلامی نظیر ابن خلدون، هنگام بحث درباره شهر نشینی، به تفاوت های دو سیستم فرهنگی قبل و بعد از اسلام اشاره می کنند:

الف) سیستم فرهنگ بادیه نشینی - کوچ نشینی که قبل از اسلام در بیشتر نقاط عربستان دیده می شد؛

ب) سیستم فرهنگ شهری که با ظهور اسلام در همه جا گسترش یافت.

هنگام گذر از فرهنگ بادیه نشینی - کوچ نشینی، به فرهنگ شهری، ایجاد سازمان های اجتماعی ویژه ای ضرورت می یابد که فرهنگ اسلامی بیش از دیگر ادیان بر این سازمان اجتماعی تأکید می کند.

طرفداران نظریه مذهبی در پیدایش شهرها معتقدند عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه های مختلف اجتماعی در سکونتگاه های مختلف انسانی و نیز در تمرکز جمعیت و پیدایش شهرها، به ویژه در دوره های قدیم بسیار موثر بوده است؛ چنانچه در بسیاری از شهرهای اولیه، قدرت اصلی در دست کاهنان شهر بود (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

۲-۴- شهر اسلامی

هر یک از محققین به دنبال ابعدی بوده اند تا با آنها شهر اسلامی را به عنوان پدیده ای منحصر به فرد و دارای هویت معرفی نمایند؛ گاه با مسائل کالبدی، گاه با مسائل انسانی و اجتماعی و گاه با شناخت ماهیت و چیستی شهر اسلامی. از این رو در خصوص هویت کالبدی شهر اسلامی باید گفت به طور قطع اگر در شهری از خاور دور تا آندلس در اروپا، شاهد عناصر کالبدی، نظیر مناره و مسجد، کاروان سرا، بازار با سلسله مراتب فضایی متأثر از مسجد جامع، جدایی قلمروهای خصوصی - مناطق مسکونی - از قلمروهای عمومی - معابر عمومی و خیابان ها - قلمروهای عمومی با سطوح دسرسی پیچیده اما مملو از نشانه های روشن و قابل شناسایی برای مردم و مواردی از این دست باشیم به آن شهر، شهر اسلامی خواهیم گفت (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲) در تعریفی دیگر شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می شود که در سرزمین های دارای فرهنگ و اعتقادات نشأت گرفته از دین اسلام ایجاد شده اند یا رشد یافته اند (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۲).

۳- یافته های تحقیق

در این قسمت برای دستیابی به اهداف تحقیق، یافته های تحقیق را در چهار بخش کاربری شهری در شهرهای اسلامی، مورفولوژی شهری، نقش وقف در گسترش شهرهای اسلامی و نقش گردشگری مذهبی در گسترش شهرهای اسلامی را بررسی کرده ایم.



۳-۱- کاربری های شهری در شهر های اسلامی

کاربری زمین ساماندهی مکانی و فضایی فعالیت ها و عملکردهای شهری بر اساس خواسته ها و نیازهای جامعه شهری را در دستور کار دارد (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱). در شهرهای اسلامی مکان‌گزینی کاربری ها به بهترین نحوه صورت گرفته شده است. به عنوان مثال قرار گیری مسجد و بازار و مقر حکومت به عنوان سه عنصر اصلی شهر در مرکز شهر گواه بر این مطلب است. در ادامه تعدادی از این کاربری ها به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مسجد (کاربری مذهبی)

دولت اسلامی در شهر متولد می یابد و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در مسجد صورت می گیرد، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می گردد. در شهر و محلات اسلامی، مساجد و فضاهای وابسته به آن همراه دیگر مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهرها را به وجود می آورند (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۱۹).

بناهای مذهبی از مهم ترین بناهای قدیمی شهرها هستند. و مساجد قدیمی در اصولا در مرکز محله ها واقع شده اند. مثل مسجد جامع شهر اردکان مربوط به قرن دهم ه ق که کنار بازار و در محله قدیمی واقع شده است. تمام محله های قدیمی این شهر در اطراف اماکن مذهبی شکل گرفته اند (امیدوار و هاتفی، ۱۳۹۱: ۶۹). در سطح محلات شهری نقش مسجد جامع را مساجد، تکیه ها و حسینیه ها بر عهده دارند که در ایام سوگواری و اعیاد مسلمین اجتماعات بزرگی در آنها شکل می گیرد و بازتاب فضایی آن ایجاد هویتی برای محله می باشد (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

۲- خانه ها (کاربری مسکونی)

خانه شخصی، فضای داخلی بسته ای است که ضمن تامین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید. پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند. البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخل منزل بتوانند فضای اطراف و مناظر محله ای را نظاره گر باشند بدون اینکه خودشان دیده شوند. تفکیک حریم خانوادگی از فضاهای دیگر به صورت اندرونی و بیرونی در ساخت خانه ها و جداسازی از طریق دیوار بلند و نصب در ورودی برای کنترل رفت و آمد به فضاهای اختصاصی و حیاط ها از موارد رعایت اصول معماری است. واحدهای مسکونی اغلب دارای مدخل ورودی L شکل بوده اند تا از دید جلوگیری کنند (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۰). خصوصیات خانه سازی از این قرار است که ورودی خانه های اسلامی رو به داخل باز می شوند، برعکس خانه های غیر اسلامی و عربی ورودی آن ها از داخل رو به خارج قرار دارند. به عبارت دیگر این امر حاکی از آن است که خانه، مملکت فرد به شمار می رود و در آن جاست که خصوصیت، حرمت و اسرار محفوظ می ماند (سمیر عکاش، ۱۳۷۷: ۷۴).

۳- بازارها (کاربری تجاری)

بازار به دور مسجد و مدرسه می چرخد و آن را در بر می گیرد و طبق سنت باقیمانده از شهر دوره ساسانی، بازار شهر را در می نوردد و از میدان اصلی شهر - مقر حکومتی - به سوی دیوار و بارو کشیده می شود. به همین اعتبار می توان از بازار به عنوان ستون فقرات شهر دوره اسلامی نام برد. بازار به مثابه ستون فقرات شهرهای ایرانی دانسته می شود که نبض حیات اقتصادی، اجتماعی (برگزاری جشن های ملی و مذهبی) و فرهنگی شهر در خود جای داده و دروازه های اصلی شهر را به یکدیگر متصل



ساخته است. هر چند بافت شهرهای امروز تحت تاثیر مدرنیسم تغییر شکل یافته است اما هنوز بازارهای واقع در شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و شیراز به سبب دارا بودن برخی از خصوصیات کالبدی سودمند، هنوز کمابیش پر رونق و مملو از جمعیت هستند و برخی از جاذبه های خود را حفظ کرده اند (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).

۴- محله

رهنمودها و اصول بنیادی در رابطه با فرایند ساخت و چهارچوب محله از جوهر و روح اسلام نشات گرفته است. گسترش و اصول طراحی شهری عمدتاً حول دو محور مسکن و دسترسی ها متمرکز شد. توسعه و گسترش این دو به واسطه فقه اسلامی همراه می شد (ملک احمدی و اقوامی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۹). مفهوم محله از جمله مفاهیم جا افتاده و آشنا در سنت شهرنشینی ایران است. تشکیل محلات بر حسب نظام کاستی یا شهروندی خاص نیست ولی در مقابل با ایجاد محلاتی بر حسب قوم و قبیله، نژاد، مذهب، زبان، فرقه و... مواجه هستیم. ارتباط محله با سازمان عشیره ای خود بسیار بیشتر از رابطه آن با محلات مجاورش بود (موحد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). بعد از اسلام محله ها بر مشترکات موجود شکل گرفت، به طور مثال، بر اساس همشهری بودن: محله ی شیرازی ها و محله ی بهبهانی ها، و یا بر اساس فعالیت های مشترک: محله ی سفره باف ها و محله ی حصیرباف ها و ... محله یا کوی، یک شهرک کوچک در دل شهر بود که برای خود بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشت (پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی، ۱۳۹۱: ۱۷).

در جدول ۱ اجزای محله به دقت شرح داده شده و عملکرد هر یک از این اجزا نیز ذکر شده است. این اجزا معمولاً در تمامی محلات قدیمی شهرهای اسلامی ایران مشاهده می شود. اما جای تاسف دارد که در بافت های جدید شهری این قاعده ها به هم ریخته و رنگ و بوی شهر اسلامی را کم رنگ کرده است. در نقشه ۱ نیز محلات شهر شیراز ذکر شده است.

جدول ۱: بررسی اجزای محله

اجزای محله	توضیحات	عملکرد
مرکز محله	نقطه ثقل محله و شامل عناصر عمومی (بازارچه، مسجد، حمام) که در کنار یکدیگر گردآمده و در میان محله استقرار دارند.	محل تقاطع راههای اصلی محله. دارا بودن بهترین دسترسی به راهها و مراکز اصلی شهر.
شبکه راههای محله	تاروپود محله است و تا آخرین واحد مسکونی محله را در بر می گیرد. شامل گذرگاههای فرعی و کوچه های اصلی و فرعی و بن بستها می باشد.	گذر اصلی محله و از میان محله عبور کرده و راههای محله ای را بسط می دهد.
فضاهای خصوصی محله	هستی ها و بن بست های محله را از فضاهای عمومی و پر تحرک شهر دور می کند و محل تردد افراد بیگانه نیست. فضاهای کوچک و مسقفی هستند که به خانه متصل می شوند.	در منتهی الیه خانه قرار داشته، امکان دید از درب کوچه به داخل نیست و محرومیت خانه محفوظ می ماند.
راسته محله ها	محورهای ارتباطی در محله که در تقاطع آنها فضاهای باز بزرگتر نسبت به گذرها وجود دارد و مرکز محله شکل داده است.	معمولاً پنجره و درب خانه مسکونی وجود ندارد. فضای عمومی بوده و رعایت اصول محرمیت و دفاع ضروری بوده است.
زیر محله	برخی محلات دارای چند محله کوچکتر بودند که	متعلق به مذهب یا صنف خاصی بوده و



اصطلاحاً زیرمحلله نامیده می شوند.	به همان اسم نامیده می شد.
-----------------------------------	---------------------------

ترسیم: نگارندگان

ماخذ: صارمی و همکاران، ۴۸۴-۴۸۵:۱۳۹۲

نقشه یک: محلات شهر شیراز



۵- مدرسه (کاربری آموزشی)

علاوه بر وجود مسجد جامع و بازار که از خصایص ویژه و کالبدی شهرهای اسلامی است مدارس نیز از ویژگی های منحصر این گونه شهرها است. در آغاز یکی از نقش های مهم مسجد پرداختن به امر آموزش بود. در قرن های دوم و سوم هجری شمار مکتب ها و معلمان رو به افزایش نهاد. خصوصیت مهم مدرسه یعنی جنبه مذهبی آنها یکی از عوامل مهم تعیین کننده ی موقعیت آنها در شهر بود. اغلب مدارس بزرگ اسلامی در امتداد یا در جوار بدنه بازار و راسته های اصلی شهر احداث می شدند. شهرهایی مانند تبریز، اصفهان و یزد نمونه هایی بارز از این موضوع هستند (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۶- میدان

مطالعه شهر از دوران کهن، به خصوص شهرهای ایران بعد از اسلام، تا زمانی که شهرسازی از لحاظ ورود مفاهیم تازه، غریبه و گسستن از ارزش های گذشته خود قرار نگرفته است، گویای آن است که همواره میدان نیز همچون دیگر اندام های موثر و



کارکردی، در حیات جاری شهر حضوری موثر دارد. به عبارت دیگر می توان گفت که در شهرهای دوره اسلامی، نقش و عملکرد میدان از قبل مهمتر می شود و می توان از بازار و میدان به عنوان عناصر اصلی شهر اسلامی یاد کرد. به طوری که میدان از دوره ی سلجوقیان به بعد شروع به تثبیت خود کرد و در دوره ی صفویه به مفاهیم عمیق و کارآمدی در معماری و شهرسازی رسیده و در دوران قاجار به نهایت نقش خود دست یافته است (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۷- شبکه معابر

در شهرهای کشورهای اسلامی کوچه‌ها دراز و پیچ در پیچ است که خاصیت عملکردی آن ایجاد سایه بر روی نمای خانه‌ها و جلوگیری از نفوذ باد گرم و مزاحم در کوچه‌ها بوده است. پیش آمدگی فضاهایی که در آخرین طبقه قرار گرفته‌اند نه تنها باعث وسیع شدن فضای داخلی آن شده بلکه به کوچه‌های کم عرض نیز امکان سایه‌گیری می‌دهد، گاهی گذر ساده و یک حتی یک اتاق کامل کوچه را مسقف می‌سازد. در نهایت تمام کوچه به وسیله خانه‌ها پوشیده شده و فقط در برخی نقاط فضاهای خالی برای تهویه و نورگیری منظور می‌شوند (درچه‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۵). بدین ترتیب، طول و عرض خیابان‌ها در شهرهای کشورهای اسلامی وابسته به عوامل مختلف و متنوعی بود. برخی از این عوامل در اصل مرتبط به نظام برنامه‌ریزی شهرهای کشورهای اسلامی بودند و برخی دیگر مرتبط به موقعیت طبیعی، آب و هوا، نقش و کاربرد این خیابان‌ها و علاوه بر این، رابطه نزدیک این خیابان‌ها، با ارزش‌های اسلامی و عادات و سنن مردم در شهرهای مختلف را باید به حساب آورد (<http://anjoman.urbanity.ir>).

۸- باغ‌ها و فضای سبز

باغ‌ها همیشه نقش مهمی را در برنامه‌ریزی شهرهای ایران دارا بوده‌اند. اشکال طرح باغ‌های ایرانی مبدا و خاستگاه بسیار باستانی داشته و ایجاد آنها طرح و نقشه‌های شهری را تحت نفوذ قرار می‌داد، چرا که اغلب به صورت چهار باغ یا چهار گوشه طراحی می‌شده‌اند. در برنامه‌ریزی شهرهای اوج باغ شهرسازی در سمرقند و اصفهان دوره شاه عباس اول بوده است. از نمونه‌های بسیار جالب چهار باغ سازی می‌توان به ایجاد چهار باغ اصفهان اشاره کرد (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۴).

۹- حمام (کاربری بهداشتی)

حمام‌ها به عنوان مراکز بهداشتی در کلیه محلات ایجاد می‌شده و به عنوان یک ضرورت در فرهنگ و اندیشه مردم وجود داشته است. حمام‌ها یکی از مهمترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه بوده‌اند. این فضاها همیشه به عنوان یک عنصر اساسی در نواحی مرکزی هر بخش شهری مطرح بوده‌اند. ایجاد حمام‌ها در شهرهای مختلف با آغاز گسترش اسلام در ایران و به ویژه در دوره عباسیان شدت گرفت. حمام‌ها در شهرها به عنوان یک عنصر شهری، فضایی را در محل‌های تقاطع معابر مکان‌های عمومی به خود اختصاص داده و هر حمام سرویس دهی به قسمتی از جمعیت شهر را به عهده داشته است (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۲).

۱۰- گورستان

گورستان یا آرامستان جای آرامیدن است. و کلمات مشابه آن مزار، قبرستان، آرامگاه، بقعه، مرقد، تکیه و زیارتگاه می‌باشد. به گونه‌ای خودجوش همراه با شکل‌گیری شهر، گورستان‌ها به صورت یک دانه شهری انفکاک پذیر در شهرها بنیان گذاشته



شدند. در اعصار تاریخی همه ملت ها حتی مشرکین، گورستان ها نقش مهمی در سرنوشت شهرها ایفا می کردند و آداب و رسوم دفن اموا و شعائر مربوط به آن جزوی از فرهنگ اقوام و ملل را تشکیل می داده است. این عنصر و کاربری از جمله مکان های مورد لزوم یک شهر بود که معمولا در اطراف امامزاده ها و بقاع بزرگان مذهبی بنا می شده است. معمولا سنگ قبر مقدسین اسلامی به وسیله معجزها و پرده ها پوشیده می شده است. گورستان ها در حیات فرهنگی شهرهای اسلامی نقش مهمی ایفا می کنند (ضرابی و علی نژاد طیبی، ۱۳۸۹: ۲۵).

۳-۲- مورفولوژی شهرهای اسلامی

برادری و برابری و تحرک عمودی و افقی در هر بخش از زندگی، باعث تحرک و پویایی جامعه ی شهری و همیاری مردم در جامعه ی اسلامی شده است. از طرفی اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزشهای آن اهمیت قائل بوده است؛ از این رو این دستورات و قوانین، به گونه ای برنامه ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تاثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی هویت ویژه ای بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است.

در ساخت مورفولوژیک شهرهای اسلامی، عوامل زیر دخالت داشته است:

- ۱) عوامل مذهبی
- ۲) عوامل اقلیمی
- ۳) عوامل اقتصادی
- ۴) عوامل ارتباطی
- ۵) عوامل دولتی و نظامی
- ۶) عوامل بهداشتی
- ۷) عامل وقف (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

عده ای از محققان، عوامل موثر در مورفولوژی شهرهای اسلامی را اینچنین بررسی می کنند:

۱. بیشتر شهرهای اسلامی با دیوارهایی احاطه می شد و شهر دارای چند دروازه بود؛
۲. حوزه اداری شهر در بخش مرکزی شهر و در مجاورت مسجد جامع به وجود می آمد؛
۳. بازارها در شکل خطی و در طول راههای اصلی به وجود می آمد؛
۴. در همه شهرهای اسلامی با الهام از ایدئولوژی اسلامی، همواره یک جدایی چشمگیر بین بخش خصوصی و عمومی وجود داشته است (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

اهلرز نیز در بررسی های خود مدلی از شهر اسلامی ارائه کرده که خصوصیات آن عبارتند از:

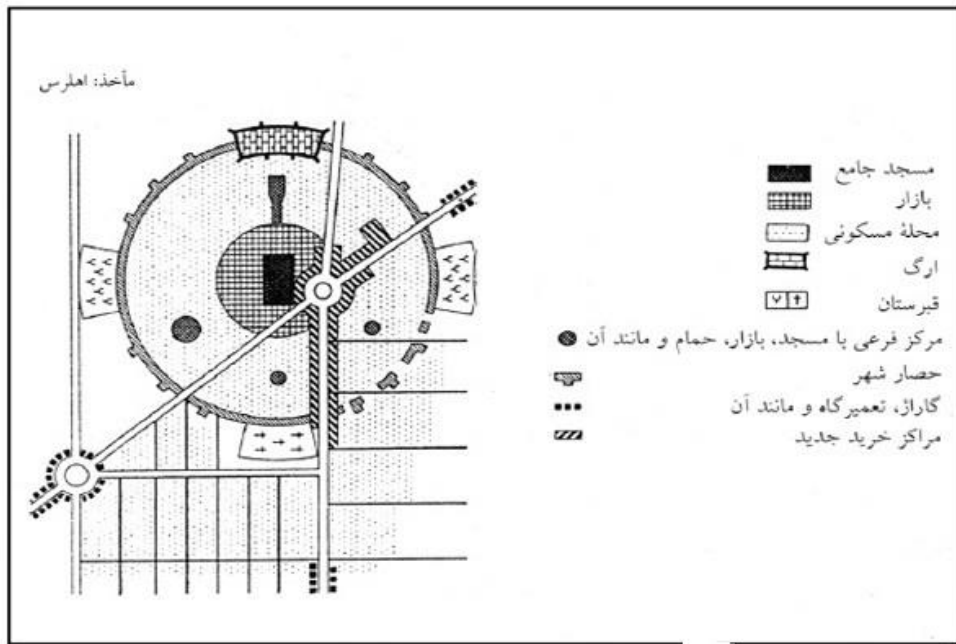
وجود سلسله مراتبی از کارکردها با مسجد آدینه (کارکرد دینی) و بازار (کارکرد اقتصادی و قلب فعالیت های کسب و کار سنتی) به عنوان هسته مرکزی هر شهر اسلامی.

وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه‌واری در درون بازار، بطوریکه نه تنها نظم و ترتیب مشخصی از فعالیت های کسب و کار و صنّف‌بندی در سراسر مجموعه بازار به چشم می خورد بلکه از نظر بازرگانی نیز، دکان‌ها با کالاهای مرغوب و طراز اول در مجاورت هسته مرکزی بازار و گذرگاه یا راسته‌های معتبر و داد و ستدهای کم ارزش تر در فاصله دورتری از مرکز بازار جایگزین می شدند.



وجود محلات مسکونی درون شهری (کارکرد مسکونی) با جدایی گزینی مناسب و هماهنگ با تفاوت گذاری های اجتماعی، قومی، دینی و ... مردم شهر.

وجود تأسیسات و استحکامات نظامی - دفاعی (کارکرد دفاعی) مانند حصار، برج، دروازه ها، بندها و دربندهای محلات. و بالاخره مشخصات خاص دیگری نظیر گورستان ها و بازارهای دوره ای بیرون باروی شهر (پوراحمد و موسوی، ۱۳۸۹: ۳).



ماخذ: شفقی، ۱۳۸۷: ۲۱۵

۳-۳- ایدئولوژی اسلامی و توسعه شهری

نقش وقف در گسترش شهرهای ایرانی اسلامی

سنت حسنه وقف یکی از ارزشهای والای انسانی است که تحت تاثیر جهان بینی دینی و مذهبی علاوه بر آثار مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی، موجد خلق چشم اندازهای جغرافیایی در شهرهای اسلامی به ویژه در شهرهای ایرانی بوده است (مشکینی و عباسی). در واقع نقش وقف از چند منظر قابل بررسی است که حداقل از سه منظر مدیریت شهری؛ منظر اقتصادی و تاسیسی وقف در مقیاس خرد و منظر اشتغال زایی قابل بررسی است. از سویی دیگر نفوذ و عمق دینی پدیده وقف آن را از دستبردها در اعصار مختلف عموماً - و نه مطلقاً - مصون می داشته است (عرفان، ۱۳۹۰: ۴).

نظام وقف نه تنها موجد ساخت و ایجاد بسیاری از فضاها و عناصر با ارزش شهرها بوده است، بلکه ارتباط و پیوند معنوی و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی، سبب ماندگاری و پایداری فضاهای شهری موقوفه در طی زمان شده است. در یک نظر اجمالی می توان گفت مالکیت بسیاری از آثار و عناصر شهری که در زمره ی موارث فرهنگی و تاریخی کشور به شمار می روند،



وقفی است در واقع علل ماندگاری بسیاری از میراث‌های معماری و شهرسازی ایران در بستر زمان را باید در نقش فرهنگ متعالی وقف جستجو کرد. از طرف دیگر اصول و ویژگی‌های نظام وقف به گونه‌ای است که بسیاری از این فضاها و عناصر از طریق رقبات درآمدزایی که بر آنها وقف شده‌اند، خود را محافظت و مرمت کرده و در نهایت آبادان و معمور بر جای استوار باقی مانده‌اند (محمدی، ۱۳۷۹: ۲).

در یک طبقه‌بندی کلی جلوه‌ها و بازتاب‌های وقف را می‌توان به دو دسته‌ی بازتاب‌های کالبدی و بازتاب‌های غیرکالبدی دسته‌بندی کرد:

۱- بازتاب‌های غیرکالبدی

بازتاب‌های غیرکالبدی وقف، فعالیت‌هایی هستند که مستقیماً جنبه‌ی کالبدی و فضایی ندارند، بلکه به صورت کمک به انسان‌های محروم جامعه مانند ایتام، معلولان، پیران و زمین‌گیران، زندانیان، مصارف خیریه، هزینه‌ی تحصیل دانشجویان، طلاب، قربانی، ترک اعتیاد، مداوای بیماران تشکیل خانواده و غیره انجام می‌شود. در واقع تمامی آن چه که یک جامعه‌ی انسانی در تأمین اجتماعی اعضای خود نیاز دارد را شامل می‌شود. به همین دلیل شهرهایی که دارای موقوفات بیشتری هستند مانند شهر اصفهان در آنها نوعی تعادل اجتماعی و اقتصادی وجود داشته و دارد.

۲- بازتاب‌های کالبدی

بازتاب‌های کالبدی وقف، موقوفاتی هستند که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند. ایجاد بناهایی چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، نوانخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوت، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مسکن انسانی و تکایا از جمله بازتاب‌های کالبدی وقف هستند. در واقع بازتاب‌های کالبدی وقف ظروفي هستند که مظلوف آنها عملکردهای وقفی هستند و این عملکردها نقش اساسی در حیات و زندگی مدنی جامعه ایفا می‌کنند (محمدی، ۱۳۷۹: ۲).

الگوی	متشکل	از	استقرار	اماکن	وقفی
در عناصر و فضاهای موقوفه به صورت یک مجموعه‌ی بهم پیوسته که از نظر عملکردی و کالبدی با یکدیگر مرتبط هستند در مناطقی از سطح شهر استقرار دارند. در این الگو می‌توان دو زیر الگوی فرعی مشاهده کرد :	الف. الگوی متشکل متمرکز: در این نوع الگو اجزا و عناصر و عملکردهای یک شهر و یا یک سکونتگاه به طور کامل موقوفه هستند و یا عناصر وقفی در یک نقطه و یا یک منطقه‌ی وسیع از شهر متمرکزند. در این نوع الگو اگر چه از نظر فضایی و عملکردی ارتباط و پیوستگی زیادی بین اجزا و عناصر وقفی وجود دارد، ولی از طرف دیگر به دلیل اینکه به طور کامل تمام عملکردهای منطقه وقفی هستند ارتباط و آمیزش آنها با سایر عملکردها و فعالیت‌های غیروقفی شهر که لازمه‌ی زندگی شهری‌اند بسیار کم بوده و به همین دلیل آسیب‌پذیری آنها در برابر شرایط تاریخی و محیط زیاد است.	ب. الگوی متشکل پراکنده: در این نوع الگو عناصر و فضاهای موقوفه از نظر فضایی، کالبدی و عملکردی به صورت یک مجموعه‌ی بهم پیوسته و متشکل در مناطقی از سطح شهر استقرار دارند. بسیاری از مراکز محلات قدیمی و سنتی در شهرهای تاریخی ایران را می‌توان از نمونه‌های این نوع الگوی توزیع فضایی عناصر دانست که تعدادی عنصر و عملکرد وقفی به صورت			



یک مجموعه‌ی متمرکز یک مرکز محله را شکل می‌دادند. مجموعه‌های میدان نقش جهان، گنجعلی خان کرمان، خان شیراز، سپهسالار و مروی تهران از نمونه‌های بسیار بارز این نوع الگوی استقرار فضایی موقوفات هستند (محمدی، ۱۳۷۹: ۴).

مسایل و مشکلات محیطهای موقوفه

با توجه به اینکه براساس احکام شرعی، عمل به نیت واقف واجب و لازم است و تخطی از آن جایز نیست، زمانی که عملکرد و نوع استفاده و بهره‌برداری از املاک و فضاهای موقوفه در مغایرت با مصالح عمومی و توسعه‌ی شهری قرار می‌گیرد، مسایل و مشکلات متعددی در برابر توسعه‌ی فضاهای وقفی و همچنین توسعه‌ی طرح‌های شهری پیش می‌آید. حل این معضل از یک طرف در گرو نظارت بیشتر و دقیق‌تر بر تنظیم وقف‌نامه‌ها، به ویژه از دیدگاه مسایل شهرسازی و امور اجرایی شهری است و از طرف دیگر آشنایی و توجه بیشتر شهروندان به امور و احکام وقف را به عنوان یک ضرورت اساسی طلب می‌کند. از نکات اساسی و مهمی که در رابطه با تأثیرات نظام شهرسازی بر موقوفات می‌توان به آن اشاره کرد یکی این است که عملکرد و نوع استفاده از املاک، اراضی و فضاهای شهری امری ثابت و دایمی نیست، بلکه در طی فرآیند زمان به تناسب شرایط رشد طبیعی شهرها تغییر می‌کند. بدین معنی که اراضی شهری در هر دوره و شرایط زمانی، مناسب یک نوع عملکرد و فعالیت خاص هستند و با تغییر شرایط، کاربری اراضی، قابلیت اقتصادی و ارزش مکانی و ارزش افزوده‌ی بسیاری از اراضی شهری تغییر پیدا می‌کند. در طی این فرآیند بسیاری از اراضی ممکن است موقعیت مکانی مطلوب‌تر و ارزش اقتصادی بالاتری کسب نمایند و در مقابل بخشی دیگر از اراضی شهری مطلوبیت‌های مکانی خود را از دست بدهند. لذا با توجه به این نکته، ثابت بودن نوع استفاده از املاک و اراضی وقفی نه تنها استفاده‌ی بهینه از آن‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، بلکه در طی زمان ممکن است نوع استفاده از املاک موقوفه در تعارض با طرح‌های شهرسازی و کاربری اراضی شهری قرار گیرد که این موضوع مشکلاتی را برای موقوفات به وجود آورده است (محمدی، ۱۳۷۹: ۴).

از دیگر مسایل و مشکلات اساسی که در عملکرد و کارایی موقوفات تأثیرات منفی مهمی در پی داشته است، عدم آشنایی واقفان و متولیان وقف به ضوابط و مقررات شهرسازی از یک طرف و عدم آگاهی و شناخت شهروندان و مدیران اجرایی امور شهری از احکام و مقررات وقف از طرف دیگر است. عدم آشنایی واقفان و متولیان موقوفه و شهروندان و مدیران امور اجرایی شهرها از ضوابط، مقررات و احکام یکدیگر، در نهایت کندی و رکود در فعالیت‌های عمرانی موقوفات را به دنبال دارد.

عدم آشنایی شهروندان به امور اوقافی و نقش مؤثر موقوفات در توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی جامعه موجب شده که آنها به املاک و اراضی موقوفه‌ی شهری به چشم یک ثروت عمومی نگاه کنند و در تعیین کاربری برای آنها عموماً کاربری‌های غیرانتفاعی در نظر بگیرند. در حالی که بسیاری از املاک وقفی رقباتی هستند که درآمد حاصله از آنها صرف اداره، مرمت و نگهداری موقوفات دیگر می‌شود. از حیز انتفاع افتادن رقبات موقوفات، از یک طرف موجب تضعیف موقوفات می‌شود و از طرف دیگر محیطها و فضاهای شهری ناسالمی را به وجود می‌آورد. نکته‌ی مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که متولیان و واقفان به صرف اینکه عواید حاصل از موقوفات و املاک وقفی صرف امور خیریه می‌شود، نباید از رعایت و اجرای ضوابط و مقررات شهرسازی طفره روند، بلکه باید به گونه‌ای فعال و مؤثر در تدوین ضوابط و مقررات شهری مشارکت داشته باشند، زیرا ضوابط و مقررات شهری در موقع تدوین به صورت یک نظام منسجم و یکپارچه تهیه می‌شوند و نقض و عدم اجرای هر یک از آن‌ها در نهایت، بی‌نظمی در اجرای ضوابط و مقررات شهری را به دنبال دارد (محمدی، ۱۳۷۹: ۷).



به عنوان مثال شهر اصفهان دارای موقوفات بسیاری است. اغلب آثار باستانی در شهر اصفهان موقوفه اند و بافت های قدیمی شهر دارای موقوفات بیشتری هستند؛ یعنی به نسبت قدمت محلات بر تعداد موقوفات افزوده می شود. همچنین بخش بازار اصفهان دارای تراکم موقوفات بیشتری است که اغلب آنها را مراکز مذهبی مانند مساجد، مداری، امامزاده ها، مقبره ها و تکایا تشکیل می دهند.

موقوفات و رقبات آن در شهر اصفهان، از نظر اقتصادی و فقهی، ویژگی های خاصی دارد و از نظر معماری، به خصوص معماری اسلامی نیز در آن چنان سطحی قرار دارد که از طرف یونسکو به عنوان شهری با میراث های فرهنگی متنوع به ثبت رسیده است. پراکندگی جغرافیایی و توزیع فضایی موقوفات و رقبات آن در شهر اصفهان با بافت های قدیمی و فرسوده شهری منطبق است. به علاوه، بافت قدیمی این شهر با وسعتی در حدود ۱۳۰۰ هکتار، نیاز به آن چنان برنامه ریزی شهری دارد که از یک طرف بازسازی، نوسازی و سالم سازی شهر را تامین می کند و از طرف دیگر آسیب پذیری و یا نابودی بناهای موقوفه و رقبات آن را به حداقل برساند. بنابراین می توان گفت شناخت دقیق موقوفات و ویژگی های آن ها از ضروریات عمده طراحان و برنامه ریزان توسعه شهری برای بافت های قدیمی شهر محسوب می شود (کلانتری خلیل آبادو همکاران، ۱۳۸۹: ۴۱).

۳-۳- گردشگری مذهبی و گسترش شهرهای ایران

گردشگری مذهبی یکی از شاخصه های مهم توریسم به شمار می رود که سهم قابل توجهی از فعالیت های جهانگردی را شامل می شود. کشور ایران با دارا بودن بیش از پنج هزار امام زاده، بقعه متبرکه و مراکز مذهبی دارای ظرفیت بالایی در این زمینه می باشد. صاحب نظران صنعت گردشگری بر این باورند که به لحاظ موقعیت فرهنگی مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر، گردشگری مذهبی جای رشد و توسعه بسیاری در کشور ما دارد (زادولی خواجه و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱۵).

نقش کارکردهای فضای شهری به عنوان محل فعالیت های عمومی و در کلی ترین تعبیر به عنوان بازتاب کالبدی عرصه عمومی در شهرهای کنونی آنها را برای ایجاد مناسبات چهره به چهره، تجربه مشترک فضا، رابطه انسانی با کالبد شهری و برگزاری فعالیت های جمعی و عمومی و البته گذران اوقات فراغت و تفریح مناسب و کارآمد می سازد. در رویکردهای جدید به گردشگری شهری سعی بر آن است تا برای کاهش آثار منفی فعالیت های گردشگران و دستیابی به توسعه پایدار شهری، ضمن توسعه زیرساخت های مختلف خدماتی، رفاهی، ارتباطی و پیوند عملکردی بین کانون های شهری و حوزه های طبیعی واقع در مجاورت شهر به وجود آید تا از این رهگذر توسعه پایدار گردشگری شهری محقق گردد (زادولی خواجه و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۱۵).

یکی از ویژگی های توسعه ی فضایی مشهد این است که، برخلاف سایر کلان شهرهای کشور، توسعه ی آن کمتر تحت تاثیر رشد صنعت بوده و بیشتر از رشد بخش خدمات، به ویژه خدمات زیارتی تاثیر پذیرفته است. به همین دلیل ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر مشهد دارای ویژگی هایی است که به طور عمده به عوامل مذهبی و زیارتی مثل موقوفات، حضور مستمر و انبوه زائران، اقتصاد زیارتی، خدمات زیارتی و نهاد های زیارتی وابسته است. از این نظر برنامه ریزی و مدیریت حرم مطهر و سامان دهی وضع زائران آن، همیشه از مهمترین مسائل توسعه و مدیریت شهر مشهد بوده است.

به طور کلی حضور سالانه حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر زائر و روزانه چندصد هزار نفر در شهر مشهد عامل بسیار موثر و ویژه ای است که بر تمام شرایط اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و رفتارهای فرهنگی، فضاهای شهری و سیمای کالبدی- فضایی شهر و اطراف آن تاثیری گسترده و عمیق ایجاد کرده است.

آثار زیارت و زائران در حیات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مشهد



- توسعه ی فضاهای پیرامون حرم و تغییرات فضایی مرکز شهر
- گسترش انواع اقامتگاهها، حسینیه ها و زائرسراها
- گسترش انواع مشاغل و خدمات ویژه ی زیارتی و مسافرتی
- دفن چهرهای مشهور مذهبی، تاریخی و فرهنگی در شهر پیرامون
- تاسیس انواع مراکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی و مذهبی
- حضور و ارتباط تمام اقوام ایرانی در کنار یکدیگر
- حضور زائران مسلمان غیرایرانی از کشورهای همسایه
- شکل گیری انواع بازارهای سوغاتی در مرکز شهر
- افزایش آلودگی های زیست محیطی، ناامنی و تبهکاری

با توجه به این ملاحظات روابط متقابل میان زائران و شهر مشهد آنچنان وسیع و تعیین کننده است که باید در تمام مطالعات مربوط به برنامه ریزی و مدیریت مجموعه شهری و کلان شهر مشهد به طور همه جانبه مورد مطالعه قرار گیرد و راهکارهای مناسب ارائه گردد (جستارهای شهرسازی، ۱۳۸۶: ۲)

۴- جمع بندی و ارائه راهکارها

نقش عمده مذهب به عنوان مبداء بسیاری از شهرهای کشورهای اسلامی غیر قابل انکار بوده و نظیر سایر عوامل ایجاد شهرها، نقش عمده‌ای در ایجاد و توسعه شهرنشینی ایفا می‌نماید. تکرر شهرها در سرزمین های اسلامی با توسعه ی نوعی شهرسازی اسلامی همراه بوده است. این سیستم جدید فرهنگی که عمدتاً نشأت گرفته از قرآن است، بر پایه ی سادگی استوار است. به همین دلیل شهرهای سنتی اسلامی، پیچیدگی شهرهای یونانی و رومی را ندارند. به عنوان مثال این گونه شهرها، فاقد «فروم» کلیسای بزرگ، تئاتر، آمفی تئاتر و... می باشند. آنچه که در شهرهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است وجود عناصری مانند اماکن مذهبی، قصر (دارالاماره)، بازار، حمام عمومی و میدان است. چنانچه ویژگی کالبدی شهر اسلامی و کارکرد عناصر آن را تبلور بصری ماهیت اسلامی آن دانست آن وقت لزوم توجه به نقش و کارکرد عناصر کالبدی برای برجسته شدن آن هویت، بیش از پیش ضرورت می یابد. در صورت بی توجهی به آنها، هویت اسلامی و تاریخی آنها کم رنگ می بازد و عناصری جانشین می شوند که رنگ و بوی بومی ندارند و کارکردهای قبلی خود را از دست می دهند. نمونه بارز چنین تحولی را می توان در تغییر در میزان تاثیرگذاری نقش مسجد در ایفای نقش هویت شهر اسلامی دانست. مساجد جامع تا گذشته ای نه چندان دور نقش مرکزی داشته اند و این نقش کانونی، همواره منشا تحرک های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اسلام و نیز روابط نزدیک دانشمندان با طبقه متوسط شهری بوده اند. همچنین میدان ها نیز از قربانیان مدرنیته اند به گونه ای که جای خود را به فلکه ها داده اند و هرگز توان کارکردی میدان را ندارند بلکه باعث تقلیل اهمیت یک میدان مهم قدیمی به تقاطع بی اهمیت چند خیابان امروزی شده است.

اسلام در تمام ابعاد یک شهراسلامی خود را نشان داده است و باعث متمایز شدن شهر اسلامی از دیگر شهرها (شهرهای اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و...) شده است. یکی از ابعاد در کاربری شهری است. در شهرهای اسلامی مکان گزینی کاربری ها به بهترین نحوه صورت گرفته شده است. به عنوان مثال بناهای مذهبی از مهم ترین بناهای قدیمی شهرها هستند. و مساجد قدیمی در اصولاً در مرکز شهر و محله ها واقع شده اند. بازار به دور مسجد و مدرسه می چرخد و آن را در بر می گیرد. بعد از



اسلام محله‌ها بر مشترکات موجود شکل گرفت، به طور مثال، بر اساس همشهری بودن: محله‌ی شیرازی‌ها و محله‌ی بهبهانی‌ها، و یا بر اساس فعالیت‌های مشترک: محله‌ی سفره‌باف‌ها و محله‌ی حصیرباف‌ها و ... در شهرهای کشورهای اسلامی کوچه‌ها دراز و پیچ در پیچ است که خاصیت عملکردی آن ایجاد سایه بر روی نمای خانه‌ها و جلوگیری از نفوذ باد گرم و مزاحم در کوچه‌ها بوده است. پیش آمدگی فضاهایی که در آخرین طبقه قرار گرفته‌اند نه تنها باعث وسیع شدن فضای داخلی آن شده بلکه به کوچه‌های کم عرض نیز امکان سایه‌گیری می‌دهد. حمام‌ها یکی از مهمترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه بوده‌اند. این فضاها همیشه به عنوان یک عنصر اساسی در نواحی مرکزی هر بخش شهری مطرح بوده‌اند.

یکی دیگر از ابعاد شهر اسلامی مورفولوژی آن است. برادری و برابری و تحرک عمودی و افقی در هر بخش از زندگی، باعث تحرک و پویایی جامعه‌ی شهری و همیاری مردم در جامعه‌ی اسلامی شده است. از طرفی اسلام، همواره برای حریم زندگی خانوادگی و ارزشهای آن اهمیت قائل بوده است؛ از این رو این دستورات و قوانین، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شهری و ساخت شهرهای اسلامی را تحت تاثیر قرار داده و به مورفولوژی شهرهای اسلامی هویت ویژه‌ای بخشیده است که با شهرهای نواحی دیگر دنیا متفاوت است.

سنت حسنه وقف یکی از ارزشهای والای انسانی است که تحت تاثیر جهان بینی دینی و مذهبی علاوه بر آثار مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی، موجد خلق چشم اندازهای جغرافیایی در شهرهای اسلامی به ویژه در شهرهای ایرانی بوده است. نظام وقف نه تنها موجد ساخت و ایجاد بسیاری از فضاها و عناصر با ارزش شهرها بوده است، بلکه ارتباط و پیوند معنوی و نزدیک موقوفات با امور دینی و مذهبی، سبب ماندگاری و پایداری فضاهای شهری موقوفه در طی زمان شده است. جلوه‌ها و بازتاب‌های وقف را می‌توان به دو دسته‌ی بازتاب‌های کالبدی (موقوفاتی هستند که مستقیماً با سیمای فیزیکی و کالبدی شهر ارتباط دارند. ایجاد بناهایی چون مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها، مسافرخانه‌ها، آب‌انبارها و قنوات، حمام‌ها، پل‌ها، قبرستان‌ها، مساکن انسانی و تکایا از جمله بازتاب‌های کالبدی وقف هستند) و بازتاب‌های غیرکالبدی (فعالیت‌هایی هستند که مستقیماً جنبه‌ی کالبدی و فضایی ندارند، بلکه به صورت کمک به انسان‌های محروم جامعه مانند ایتم، معلولان، زندانیان، مصارف خیریه و غیره انجام می‌شود) دسته‌بندی کرد.

با توجه به اینکه براساس احکام شرعی، عمل به نیت واقف واجب و لازم است و تخطی از آن جایز نیست، زمانی که عملکرد و نوع استفاده و بهره‌برداری از املاک و فضاهای موقوفه در مغایرت با مصالح عمومی و توسعه‌ی شهری قرار می‌گیرد، مسایل و مشکلات متعددی در برابر توسعه‌ی فضاهای وقفی و همچنین توسعه‌ی طرح‌های شهری پیش می‌آید. از نکات اساسی و مهمی که در رابطه با تأثیرات نظام شهرسازی بر موقوفات می‌توان به آن اشاره کرد یکی این است که عملکرد و نوع استفاده از املاک، اراضی و فضاهای شهری امری ثابت و دایمی نیست، بلکه در طی فرآیند زمان به تناسب شرایط رشد طبیعی شهرها تغییر می‌کند. بدین معنی که اراضی شهری در هر دوره و شرایط زمانی، مناسب یک نوع عملکرد و فعالیت خاص هستند و با تغییر شرایط، کاربری اراضی، قابلیت اقتصادی و ارزش مکانی و ارزش افزوده‌ی بسیاری از اراضی شهری تغییر پیدا می‌کند. از دیگر مسایل و مشکلات اساسی که در عملکرد و کارآیی موقوفات تأثیرات منفی مهمی در پی داشته است، عدم آشنایی واقفان و متولیان وقف به ضوابط و مقررات شهرسازی از یک طرف و عدم آگاهی و شناخت شهرسازان و مدیران اجرایی امور شهری از احکام و مقررات وقف از طرف دیگر است. عدم آشنایی واقفان و متولیان موقوفه و شهرسازان و مدیران امور اجرایی شهرها از ضوابط، مقررات و احکام یکدیگر، در نهایت کنندی و رکود در فعالیت‌های عمرانی موقوفات را به دنبال دارد.

گردشگری مذهبی یکی از شاخصه‌های مهم توریسم به شمار می‌رود که سهم قابل توجهی از فعالیت‌های جهانگردی را شامل می‌شود. کشور ایران با دارا بودن بیش از پنج هزار امام زاده، بقعه متبرکه و مراکز مذهبی دارای ظرفیت بالایی در این زمینه



می باشد. یکی از ویژگی های توسعه ی فضایی مشهد این است که، برخلاف سایر کلان شهرهای کشور، توسعه ی آن کمتر تحت تاثیر رشد صنعت بوده و بیشتر از رشد بخش خدمات، به ویژه خدمات زیارتی تاثیر پذیرفته است. به همین دلیل ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر مشهد دارای ویژگی هایی است که به طور عمده به عوامل مذهبی و زیارتی مثل موقوفات، حضور مستمر و انبوه زائران، اقتصاد زیارتی، خدمات زیارتی و نهاد های زیارتی وابسته است. آثار زیارت و زائران در حیات اجتماعی، اقتصادی و فضایی مشهد عبارتند از: توسعه ی فضاهای پیرامون حرم و تغییرات فضایی مرکز شهر، گسترش انواع اقامتگاهها، حسینیه ها و زائرسراها، گسترش انواع مشاغل و خدمات ویژه ی زیارتی و مسافرتی، دفن چهرهای مشهور مذهبی، تاریخی و فرهنگی در شهر پیرامون، تاسیس انواع مراکز آموزشی، پژوهشی و فرهنگی و مذهبی، حضور و ارتباط تمام اقوام ایرانی در کنار یکدیگر، حضور زائران مسلمان غیرایرانی از کشورهای همسایه، شکل گیری انواع بازارهای سوغاتی در مرکز شهر و غیره.

در پایان با توجه به اینکه شهرهای ما روزه روز از هویت اسلامی خود دور می شوند، و موفقولوژی خود را از دست می دهند؛ توجه به نکات زیر ضروری است:

- ۱- توجه به عناصری مذهبی در شهرها و استفاده از معماری و هویت ایرانی اسلامی در ساخت مسکن مسکونی،
- ۲- توجه به ساخت مساجد که به عنوان هویت شهرهای اسلامی شناخت می شوند.
- ۳- توجه به دسترسی مساجد و مراکز مذهبی در شهرها
- ۴- آشنایی شهرسازان و برنامه ریزان شهری با ایدئولوژی اسلامی که برنامه ریزی شهر را متناسب با ایدئولوژی اسلامی انجام دهند.
- ۵- در شهرسازی اسلامی باید اصول و مبانی شهرسازی اسلام از قرآن و روایات صحیح استخراج گردد.



۶- منابع

۱. امیدوار، کمال و هاتفی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «توسعه فیزیکی شهرهای اسلامی و تعیین جهت های توسعه (مطالعه موردی: شهر اردکان یزد)»، فصلنامه مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره هفتم، صص ۶۳-۷۱
۲. بسیم سلیم حکیم (۱۳۸۱) «شهرهای عربی اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی»، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳. پرمون، هما (۱۳۹۲)، «نقش مذهب در شکل گیری ساختارهای شهری کهن»، ماهنامه الکترونیکی سروستان، شماره ۴
۴. پوراحمد، احمد و سیروس موسوی (۱۳۸۹)، «ماهیت اجتماعی شهرهای اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۱۱
۵. پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی مورد نیاز در شهر ایرانی-اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره دهم.
۶. سلسله، علی و سلسله، محسن (۱۳۹۰)، «بررسی تاثیر عامل هویت (ایرانی، اسلامی) بر زیبایی شهر»، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، سال ۲، شماره ۲، صص ۴۷-۵۸
۷. درچه زاده، شهلا (۱۳۷۱)، «مسکن در کشورهای اسلامی»، معماری و شهرسازی، شماره ۱۸.
۸. زاد ولی خواجه، شاهرخ؛ غلامحسینی، رحیم و زادولی، فاطمه (۱۳۹۲)، «نقش گردشگری مذهبی و اثرات آن بر توسعه پایدار شهری در شهرهای ایرانی-اسلامی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
۹. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۲)، «روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران»، انتشارات آگاه.
۱۰. سلیمانی، مهسا (۱۳۹۱)، «منشا شکل گیری شهرهای ایرانی»، <http://www.memarblog.com>.
۱۱. سمیر عکاش (۱۳۷۸)، «تجلی نظم جهانی و نقشه برداری از آن در معماری سنتی اسلامی»، ترجمه خان محمدی علی اکبر، نشریه صفه، شماره ۲۸، دانشگاه شهیدبهشتی.
۱۲. شفق، سیروس (۱۳۸۷)، «پیش درآمدی بر شهر اسلامی و افتراق آن با شهر غربی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
۱۳. شکوئی، حسین (۱۳۸۵۶)، «دیدگاههای نو در جغرافیای شهری (جلد اول)»، انتشارات سمت.
۱۴. صارمی، حمیدرضا؛ بقایی، پرهام، لیلیان، محمدرضا و احمدیان، تهمنه (۱۳۹۲)، «تحلیل تطبیقی ساختار محلهای شهر در دوره اسلامی در ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
۱۵. عرفان، محمد هادی (۱۳۹۰)، «نقش وقف در شکل گیری شهرهای ایرانی اسلامی»، ویژه نامه - ویژه نامه وقف سرمایه فراموش شده - شماره انتشار ۱۸۰۳۹
۱۶. کرمی، اسلام (۱۳۹۰)، «فرایند توجه به هویت اسلامی در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی دستیابی به حس مکان ایرانی-اسلامی در طراحی شهری معاصر»، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی.
۱۷. کلانتری خلیل آباد، حسین؛ صالحی، سید احمد و رستمی قهرمان (۱۳۸۹)، «نقش تاریخی وقف در شکل گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول. شماره اول. صص ۳۳-۴۳



۱۸. محمدی، محمود(۱۳۷۹)، «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی، برنامه ریزی فضایی - کالبدی، راهبردی جدید در توسعه و بهره وری بهینه موقوفات»، مجله(نشریه) وقف میراث جاویدان، سال ۸، شماره ۲.
۱۹. مشکینی، ابوالفضل و عباسی، رقیه(۱۳۸۷)، «تعیین نقش و جایگاه وقف در توسعه شهری»،
<http://www.rasekhon.net>
۲۰. ملکشاهی، غلامرضا(۱۳۸۰)، «تغییرات ساختاری در اماکن مذهبی شهرهای اسلامی»، پژوهشنامه ی علوم انسانی و اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص ۱۶۱-۱۸۳.
۲۱. موحد، علی و علی شماعتی و ابوالفضل زنگانه(۱۳۹۱)، «بازشناسی هویت کالبدی در شهرهای اسلامی(مطالعه موردی شهر ری)»، فصلنامه علمی تخصصی برنامه ریزی منطقه ای، سال دوم، شماره ۵، صص ۳۷-۵۱.
۲۲. یوسفی، لقمان(۱۳۸۰)، «ارزیابی کاربری اراضی شهری مطابق شاخص های چندگانه، مورد: پیرانشهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.
۲۳. یوسفی فر، شهرام(۱۳۸۹)، «الگوهای پیدایش شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران»، مجله تاریخ ایران، شماره ۶۴/۵.
۲۴. <http://www.tahoordanesh.com/>
۲۵. <http://daneshnameh.roshd.ir>
۲۶. <http://anjoman.urbanity.i>